

گفتگوی مجلس و پژوهش با حجت الاسلام والمسلمین
دکتر روحانی، نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی

■ نظم نوین جهانی و جایگاه اسلام در ژئوپلیتیک فردا

اشاره:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی در گفتگو با مجلس و پژوهش، ویژگی‌های هریک از چهار دوره قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران را برشمرد.

دکتر روحانی در این مصاحبه ضمن تاکید بر موفقیت مجلس چهارم در دو بعد «قانون‌گذاری» و «نظارت» گفت که مجلس چهارم نسبت به اهدافی که از قبل برای خود تعریف کرده بود، نظیر اطاعت از رهبری، حمایت از دولت و نظارت بر دستگاه اجرایی موفق بوده است.

وی در بخش دیگری از این گفتگو درباره ضرورتها در نفی رابطه و مذاکره با امریکا گفت: موضوعیهای امریکا درباره ایران بسیار کودکانه، نسنجیده و نبخته است و بیانگر عدم تجزیه و تحلیل مسائل جهانی از سوی دست‌اندرکاران دستگاه سیاست خارجی امریکاست.

دکتر روحانی همچنین در پاسخ به سؤال مجلس و پژوهش درباره آینده جهان و جایگاه نظم نوین جهانی در جهان آینده با اشاره به رشد چشمگیر تفکر دینی در پایان قرن جاری و تاکید بر اینکه امریکاییها در اقتصاد و فرهنگ - که دو رکن تحولات آینده جهان است - حرفی برای گفتن ندارند، گفت: اسلام در آینده به عنوان یک قدرت بسیار مهم و عظیم فرهنگی در جهان مطرح خواهد بود. نایب رئیس اول مجلس شورای اسلامی همچنین ضمن ارزیابی از توازن قوا در قرن آینده گفت: روسیه، فرانسه و چین از نظر نظامی و ژاپن و آلمان از نظر اقتصادی روبروی امریکا خواهند بود و در عرصه فرهنگ نیز اسلام به عنوان یک ابرقدرت فرهنگی در برابر امریکا می‌ایستد.

متن این گفتگو را در ادامه می‌خوانید:



می‌باشید. از حضرت‌عالی که دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی را از نزدیک شاهد بوده و در آنها مشارکت داشته‌اید، می‌خواهیم بفرمائید که مجلس چهارم در مقایسه با دوره‌های اول و دوم و سوم چه ویژگی‌هایی دارد؟ یکی از کارهایی که در مرکز پژوهشها انجام می‌شود همین است که با بررسی عملکرد مجلس، بینیم روشهای بهبود کار کدام است. ارزیابی شما از عملکرد دو ساله دوره چهارم و چشم‌انداز شما از دو سالی که باقی مانده و سه سالهای بسیار مهمی نیز هست - چیست؟

□ مجلس و پژوهش: ابتدا از جنابعالی به خاطر فرصتی که در اختیارمان قرار دادید تشکر می‌کنیم. حوزه مسائلی که ما علاقمندیم از نقطه‌نظرات جنابعالی در آنها استفاده کنیم به علت مسئولیتها و سوابقتان خیلی وسیع است ولی بالاچار باید آن را محدود کنیم و با اجازه شما ابتدا از مجلس شروع می‌کنیم.

جنابعالی از نمایندگان هستید که از ابتدای تشکیل مجلس شورای اسلامی در دوره‌های مختلف حضور داشته‌اید و اکنون نایب رئیس اول مجلس و رئیس کمیسیون سیاست خارجی

این راستا شهدای فراوانی را تقدیم کرد. گروهکها به خاطر مبارزه مجلس با خطوط انحرافی و از آنجا که در منطق و بحث و استدلال، حریف مجلس نبودند، تصمیم گرفتند مسلحانه وارد عمل شوند. و بهرحال آن توطئه‌های خائنانه را طراحی کردند و نتیجه آن شد که تعداد زیادی از نمایندگان در حادثه هفتم تیر ۱۳۶۰ جان آفرین تسلیم کردند که ماجرای آن را همه می‌دانند. یکی از روزهای تاریخی مجلس اول آن روزی بود که بعد از انفجار حزب جمهوری اسلامی، تعدادی از نمایندگان را با برانکارد به مجلس آوردند تا مجلس رسمیت یابد و بتواند کار خودش را ادامه بدهد. شاید یک رسالت مهم مجلس اول استقرار خط اصیل انقلاب و مبارزه با خطوط انحرافی بود که ابتدا با طرحهایی برای محدود کردن اختیارات رئیس جمهوری که باصطلاح طغیان کرده بود و شکل جدیدی از استبداد را به وجود آورده بود و بعد هم درنهایت با تصویب عدم کفایت سیاسی وی توانست به این مسأله پایان بدهد. البته می‌دانید که پس از چند ماه از شروع کار مجلس اول، جنگ تحمیلی آغاز شد.

از دیگر مسائل مهم مجلس اول، حل مشکل گروگانهای آمریکایی بود. شاید مجلس اول از نظر ویژگیها و شکل آن و همچنین چهره‌هایی که در آن حضور داشتند دیگر قابل تکرار نباشد. مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای عضو آن مجلس

آقای دکتر روحانی: ابتدا باید بگویم مرکز پژوهشها برای مجلس، مرکزی بسیار مفید و ارزنده است و حیث بود که چنین مرکزی زودتر تشکیل نشد. یکی از موفقیت‌های مدیریت مجلس نیز سامان دادن به یک چنین مرکزیتی بود که خوشبختانه آقای دکتر لاریجانی آن را راه‌اندازی کردند و همچنین از جناب آقای مهندس ملایری که زحمات فراوانی - هم در مرکز و هم در مجله - متحمل می‌شوند تشکر می‌کنم.

درباره سؤال باید عرض کنم که ما باید هر یک از چهار دوره مجلس را در شرایط زمانی خاص خودش ببینیم. مجلس اول از لحاظ زمان تشکیل، بسیار حساس بود و به همان دلیل، رسالت مخصوص و ویژه‌ای را هم عملاً بعهده داشت. مجلس اول زمانی کار خود را آغاز کرد که خطوط انحرافی در داخل کشور بسیار فعال بودند. در رأس این خطوط انحرافی هم کسی بود که خودش یکی از بزرگترین مسئولیتهای اجرایی کشور را بعهده داشت، یعنی کسی که هم رئیس جمهور بود و هم فرماندهی نیروهای مسلح را در دست داشت. یک دفتری درست کرده بود به عنوان «دفتر هماهنگی» که درواقع هماهنگ کننده همه خطوط انحرافی در کشور بود و درواقع مجلس اول سنگر و پایگاهی برای مبارزه با خطوط انحرافی و استقرار خط راستین و اصیل انقلاب بود و من فکر می‌کنم مجلس اول در این هدف بسیار مهم، صددرصد موفق بود. البته در

* باید هر یک از چهار دوره مجلس را در شرایط خاص خود دید. مجلس اول در زمان حساسی تشکیل شد و در واقع سنگری برای مقابله با خطوط انحرافی بود. مجلس دوم با مسأله جنگ تحمیلی روبرو بود و مجلس سوم آتش بس و فاجعه رحلت امام عزیز را در پیش رو داشت.

* یکی از ویژگیهای مجلس چهارم وجود چهره‌های جدید در آن در مقایسه با سایر دوره‌هاست.

* مجلس چهارم می‌خواهد دقیقاً بر کار دولت نظارت کند، اما هیچ‌وقت به دنبال کارشکنی نیست.

* مجلس چهارم در هر دو بُعد «قانونگذاری» و «نظارت» موفق بوده است.

بودند، آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری فعلی عضو آن مجلس بودند، مرحوم شهید رجایی، مرحوم شهید باهنر و... عضو آن مجلس بودند. از طرف دیگر سران خطوط مختلف، از نهضت آزادی گرفته تا گروه‌های دیگر و دسته‌های طرفدار بنی‌صدر، همه در مجلس حضور داشتند و یک مجلس خاص و ویژه‌ای شده بود.

مجلس دوم را نیز باید در شرایط و قالب زمانی خودش نگاه کنیم. مجلس دوم در واقع از نظر خطوط انحرافی تسویه شده بود. یعنی مردم کاملاً چهره‌ها را و خطوط انحرافی را یافته بودند و در انتخابات مجلس، چهره‌های اصیل و صادق و خط امامی و انقلابی واقعی و مسلمان را انتخاب کرده بودند. بنابراین شکل مجلس دوم از این نظر با مجلس اول تفاوت داشت، نمایندگان هماهنگ‌تر بودند. ما در عین حال در مجلس دوم هم تحولات فراوانی رخ داد که مجلس ناچار بود به آن مسائل بپردازد. شاید مناسب باشد بگویم مهمترین مسأله‌ای که مجلس دوم با آن مواجه بود مسأله جنگ بود. به دلیل اینکه رئیس مجلس در دوره دوم، فرمانده جنگ هم بود و به همین دلیل ایشان اکثر کمیسیونها و اکثر نمایندگان خوب مجلس را برای همکاری و کمک به مسأله جنگ دعوت کرده بود. در واقع بسیاری از کمیسیونها و نمایندگان مجلس در کار جنگ فعال بودند و اکثر اوقات و فرصتهایشان را برای جبهه می‌گذاشتند. این نکته هم جالب توجه است که مجلس دوم اولین شهیدایش را در روزهایی که

حیدرنگه

می‌خواست تشکیل بشود در جنگ و جبهه داد و تعدادی از نمایندگان در آن حادثه هواپیما در خوزستان و اهواز در اسفند سال ۶۴ بعد از عملیات والفجر - ۸ جان به جان‌آفرین تسلیم کردند. امثال شهید محلاتی و شهید شاهچراغی و سایر نمایندگان که شربت شهادت نوشیدند. مرحوم شهید شاه‌آبادی نیز از نمایندگان مجلس دوم بود که بعد از انتخابات و شاید قبل از شروع مجلس دوم به رحمت ایزدی پیوست. بنابراین مجلس دوم با تقدیم شهدایی در راه جبهه و جنگ آغاز به کار کرد و تا پایان هم در این راستا فعال بود و شهدائی را نیز در راستای جنگ تحمیلی تقدیم کرد. گرچه مجلس اول هم اولین شهیدش مرحوم شهید چمران بود که در راه جنگ شهید شد، ولی چهره مجلس دوم چهره مبارزه با نفاق و انحراف بود و حمایت از جبهه و جنگ که شهدای فراوانی را هم در این راه تقدیم کرد.

مجلس سوم در شرایط خاص دیگری کار خود را شروع کرد و در واقع مجلس سوم در همان روزهای آغازین فعالیت با شرایط ویژه‌ای در جبهه‌های نبرد مواجه شد که همانا مسائل منتهی به آتش‌بس بود. در واقع مجلس سوم در هفتم خرداد تشکیل شد و در تیرماه با مسأله قطعنامه مواجه گردید و در مرداد ماه عملاً آتش‌بس و مسائل مختلف مربوط به مذاکره و امثال اینها را داشت و بعد هم متأسفانه با حادثه بسیار

تأسف‌انگیزی مواجه شد که همانا رحلت حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه بود که بی‌تردید، بزرگترین فاجعه برای تمام ملت، از جمله مجلس بود. مسأله دیگر آنکه در داخل مجلس نیز تغییر مدیریت به وجود آمد و آقای هاشمی رفسنجانی که از روز اول دوره اول مجلس، رئیس مجلس بود، شدند و مجلس، مدیریت جدیدی پیدا کرد و خودبخود دچار تحولات خاصی شد.

بعد از رحلت حضرت امام، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به رهبری برگزیده شدند. شاید اگر بگوییم مجلس سوم از برخی جهات جنجالی‌تر از سایر مجلسها بود، تعبیر ناصحیحی نباشد. ولی در عین حال یکی از کارهای بسیار مهمی که مجلس سوم انجام داد، تصویب برنامه اول توسعه اجتماعی - اقتصادی بود. البته پایه‌ها و مقدمات برنامه اول در اواخر مجلس دوم مورد بحث واقع شده بود ولی به هر حال مجلس سوم این برنامه را به تصویب رساند و این یکی از کارهای اساسی و مهم مجلس سوم محسوب می‌شد.

مجلس چهارم با شرایط خاص خودش شروع به کار کرد. در واقع، مجلس چهارم در زمانی آغاز شد که کشور ثبات بیشتری داشت و با رهنمودها و رهبریهای رهبر جدید انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، کشور سامان جدیدی پیدا کرد. دیگر مسأله‌ای به نام جنگ نبود و مسائل ایران و

برنامه‌ها - حتی آنهایی را که به صورت شعار در زمان انتخابات مطرح کرده بود - موفق بود. یعنی مجلس چهارم مجلسی بوده که در هر دو بعد قانون‌گذاری و نظارتی موفق بوده است. البته نمی‌توانم بگویم در بعد قانون‌گذاری با مجلس سوم یا دوم یا اول چه تفاوتی دارد، اما می‌توانم بگویم که در مجلس چهارم کمیسیونها فعال هستند، کار کارشناسی زیادی صورت می‌گیرد، از مشاورین زیادی استفاده می‌شود که شروع کار مرکز پژوهشها یکی از دلایل آن است. مرکز پژوهشها اصولاً برای آن است که در کنار مجلس، بتواند به مجلس کمک بکند و کار دقیق کارشناسی خودش را انجام بدهد و باید بروز و ظهور آن را در تصویب برنامه دوم ببینیم، چون همان‌طور که مهمترین کار مجلس سوم تصویب برنامه اول بود، شاید مهمترین کار مجلس چهارم، (در بخش قانون‌گذاری)، تصویب برنامه دوم باشد. بهرحال در مجلس چهارم آن‌طور که اعداد و ارقام نشان می‌دهد سطح دانش و سواد بالاتر است، افراد باسوادتری در این مجلس حضور پیدا کرده‌اند و فعالیت مجلس و استفاده از کارشناسان در مجلس چهارم بیشتر است، همچنین مرکز پژوهشها در کنار این مجلس حضور دارد و می‌تواند بیشتر کمک کند.

در یکسال و هفت ماهی که از کار مجلس چهارم گذشته است، حدود ۱۴۰ طرح و لایحه را به تصویب رساندیم که من فکر می‌کنم از لحاظ تعداد و رقم خوب باشد. بعضی از قوانین نیز مهم بوده و برای

عراق کم‌کم به سمت حل شدن حرکت می‌کرد، آزادگان به کشور بازگشتند، برنامه پنجمساله اول اجراء شد و آقای هاشمی رفسنجانی نیز مجدداً رئیس جمهوری شد. در مجلس چهارم چهره‌های جدید به نسبت سایر دوره‌ها بیشتر هستند و این یکی از ویژگیهای مجلس چهارم است. تقریباً در مجلس دوم چنین چیزی کمتر بود. اکثریت مجلس چهارم با یک شعار خاصی وارد مجلس شدند. شعار اکثریت آنها اطاعت از رهبری و حمایت از رئیس جمهور و دولت بود. شعار دیگر، ایجاد یک مجلس آرام و در چارچوب ویژگیهای اخلاقی اسلامی و نظارت بود. در واقع مجلس چهارم با این شعارها کار خودش را شروع کرد.

اکثریت مجلس چهارم از اول می‌گفت که می‌خواهیم به دستگاه اجرایی کمک کنیم و به هیچ عنوان نمی‌خواهیم در مجلس چهارم مشکلی برای دستگاه اجرایی به وجود بیاوریم. در عین حال می‌خواهیم به وظیفه قانونی و اصولی خودمان هم دقیقاً عمل نمائیم. در واقع دقیقاً می‌خواهیم نظارت بکنیم، اما هیچوقت نمی‌خواهیم کارشکنی بکنیم. و از طرفی چون مقام معظم رهبری در پایان مجلس سوم بیاناتی در خطبه نماز جمعه ایراد فرمودند که در آن بیانات گله‌ای از برخی از نمایندگان در مجلس سوم مطرح شده بود، مجلس چهارم در واقع با این شعار که کاملاً مطیع رهبر است و می‌خواهد سیاستهای مقام معظم رهبری را دنبال کند، کار خود را شروع کرد. من فکر می‌کنم مجلس چهارم در این

می‌کنم مجلس چهارم نسبت به اهدافی که خودش اعلام کرده و روی آنها همیشه تأکید می‌نموده نظیر: اطاعت از رهبری، حمایت از دولت و نظارت، موفق بوده است. در بعد اخلاق اسلامی هم من فکر می‌کنم این مجلس توجه بیشتری داشته است. مجلس آرامش بیشتری داشته و لحن مباحث به آن سمتی حرکت کرده که مورد نظر امام راحل رضوان الله تعالی علیه بود. ایشان همیشه می‌فرمودند که بحث در مجلس باید «بحث طلبگی» باشد. من فکر می‌کنم از این دیدگاه، مجلس چهارم یک مقدار جلوتر است و پیشرفت مدیریت مجلس در این زمینه خوب بود. ما سال گذشته در بررسی بودجه به آن صورتی که در مجالس قبل می‌دیدیم، شاهد جنجال، نبودیم. در عین حال نمایندگان خیلی فعال بودند و تا آخرین ساعت شب هم در مجلس فعالیت می‌کردند. در مجموع احساس می‌کنم مجلس چهارم را بتوانیم به عنوان یک مجلس بسیار سالم از لحاظ محیط کاری و بدوراز مسائل و خط‌بازهای ناپسندی - که مطلوب نیست - و همچنین مجلسی که چهره اطاعتش از امام چهره بارزی است و از نظر اطاعت از مقام رهبری، چهره بارزتری دارد و همچنین حمایت آن از دولت مسلم است، معرفی کنیم و می‌توانیم بگوییم تا حد زیادی موفق بوده است.

□ مجلس و پژوهش: مرور گویا و زیبایی از تاریخ مجلس ارائه

کشور اهمیت داشته است. تصور من آن است که مجلس چهارم در این بعد موفق بوده است. با خوش بینی که من نسبت به کاری که مرکز پژوهشها انجام خواهد داد دارم، فکر می‌کنم که مجلس چهارم در برنامه دوم و سایر قوانین با دقت بیشتر و کارشناسی بهتر عمل کند.

از در طرف دیگر بعد نظارتی این مجلس حتماً از مجالس دیگر قوی تر است. یعنی این مجلس از اول هم با این شعار کار خودش را آغاز کرد و به این شعار جامه عمل پوشاند و کمیسیونها نیز در این زمینه فعالند. در بودجه سال گذشته نیز ما احساس می‌کردیم که مجلس و کمیسیونها بسیار فعال بودند و نسبت به وزارتخانه‌های خودشان، پیشنهاد و طرح‌های زیادی داشتند. امسال هم کمیسیونها به شدت فعال هستند.

مجلس چهارم همچنین در باب تحقیق و تفحص نیز فعال بود. در حال حاضر تعداد زیادی از موارد تحقیق و تفحص در دستور کار مجلس قرار دارد که اگر خوب، دقیق و سالم انجام بگیرد، حتماً به نفع کشور و مردم است و کمک بسیار خوبی نیز به دولت محسوب می‌شود. نظارت دقیق حتماً به نفع دستگاه اجرایی است و آن را تقویت خواهد کرد و مسلماً مورد توافق همه مسئولین رده بالای کشور است. مقام معظم رهبری هم در این زمینه راضی هستند که مجلس کار خودش را در بعد نظارت به خوبی انجام دهد. رویهمرفته من احساس

* مرکز پژوهشها اصولاً برای آن است که بتواند به مجلس کمک کند و کار کارشناسی انجام دهد.

* با کاری که مرکز پژوهشها انجام خواهد داد، مجلس چهارم در برنامه دوم با دقت و کارشناسی بهتری عمل می‌کند.

* در حال حاضر تعداد زیادی از موارد تحقیق و تفحص در دستور کار مجلس قرار دارد.

* مجلس چهارم، محیطی بسیار سالم و به دور از مسائل و خط‌بازیهای ناپسند است.

* این مهم است که آمریکاییها می‌گویند ما نمی‌توانیم دوستانمان را قانع کنیم که با ایرانیها رابطه نداشته باشند!

* نفت، بی‌تردید تا سالیان دراز اهمیت خودش را از دست نخواهد داد.

کردید. در واقع می‌توان گفت که جنابعالی به خاطر موقعیت نزدیکی که نسبت به واقعیت تحولات مجلس داشتید، بهترین تصویر را ترسیم نمودید و با جرأت می‌توان از آن تسحت عنوان یک سند تاریخی یاد کرد. شاید به این شکل موجز و دقیق ما در کمتر اثری ببینیم که چهار دوره مجلس به این صورت تصویر شده باشد. حال اگر موافق باشید بحث را در مقوله سیاست خارجی ادامه دهیم.

جنابعالی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس و باز به دلیل آن نزدیکی که با تحولات سیاست خارجی دارید، لطفاً تصویری از روند تحولات در منطقه و جهان در قبال ایران و موقعیت ایران ارائه بفرمایید. و همچنین دیدگاهتان را نسبت به آینده و سمت و سوی آن و آنچه که به عنوان نظام نوین جهانی مطرح است، و اینکه چه دورنمایی را در آستانه قرن جدید مسیحی تصویر می‌کنید و تحولات اقتصادی و تکنولوژیکی تا چه اندازه در پردازش آن تصویر دخالت دارد؟

آقای روحانی: اگر بخواهیم موقعیت فعلی‌مان را در منطقه و جهان نسبت به گذشته مقایسه کنیم باید بگوییم که جمهوری اسلامی ایران چهره یک کشور استقرار یافته قوی و آبدیده را به خود گرفته و می‌توان به عنوان کشوری که بر آرمانها و

افغانستان که تازه به استقلال رسیده است تعجب‌آور بود. اما ایران در عین حالی که مرزی گسترده با افغانستان دارد هیچگونه مداخله‌ای نکرد. فقط مأمورین جمهوری اسلامی ایران در میان آتش و خون از این خیابان به آن خیابان می‌دویدند تا آتش بس برقرار کنند و نگذارند بین این حزب و آن گروه آتش جنگ شعله‌ور بشود. در این راستا برخی از دیپلماتهای ما مجروح شدند. برای بعضی‌ها حتی خطر شهادت وجود داشت. حتی در روزهای سختی که خیلی از افراد کابل را ترک کردند، مأمورین سیاسی جمهوری اسلامی ایران آنجا ماندند.

در کشورهای همسایه شمالی هم وضع به همین صورت است. در قزاقیای آذربایجان و ارمنستان و یا تاجیکستان رفتار جمهوری اسلامی ایران نشان داد که ما به آنچه می‌گوییم، عمل می‌کنیم. در درگیری بین آذربایجان و ارمنستان، جمهوری اسلامی ایران همواره تلاش می‌کرد تا میانجی خوبی باشد و آتش جنگ را خاموش بکند، هیچگاه دنبال بهره‌برداری و سوءاستفاده به آن مفهومی که دنبال منافع خودش باشد هرگز نبود. ماجرای عراق شاهد روشنتری است. کشوری که هشت سال با ما جنگید، کشوری که انواع جنایتها را نسبت به ملت ما روا داشت و در مقابل کویت که آن همه به مردم ما در زمان جنگ خیانت کرد اتباع هر دو کشور را با آغوش باز قبول کردیم. تعداد کسانی که ما پذیرایی

بنیانهای مقدس، انقلابی، اسلامی و ملی خودش پابرجا و استوار است روی آن حساب کرد. در حالی که بعضی از کشورها هر روز و هر ساعت و هر ماه چهره عوض می‌کنند، اما جمهوری اسلامی ایران نشان داده که در طول این مدت چهارده - پانزده سال با همه فراز و نشیبهایش کماکان ایستاده و دنیا این را فهمیده که ما روی اصول و آرمانهای مقدسمان پابرجا هستیم. از طرف دیگر ما روی قول و قرار و دوستی‌ها مان با کشوری که دست دوستی به سمت او دراز کردیم ایستادگی می‌کنیم. شاید بعضی از کشورها در شرایط سخت و دشوار نتوانند با کشورهایی که مورد تهاجم و هجوم هستند با همان صمیمیت و گرمی سابق مرآمده داشته باشند، اما جمهوری اسلامی ایران نشان داده که از این توفانها نمی‌هراسد.

دشمنان، جمهوری اسلامی ایران را در تبلیغات وسیع و گسترده خود به عنوان کشوری که دنبال فرصت برای تجاوز و دست‌اندازی به کشورهای دیگر است و کشوری که دنبال دخالت در امور داخلی دیگران است، معرفی می‌کردند. اما حوادث این چند ساله اخیر کاملاً این مسأله را ثابت کرد که این تبلیغات بی‌اساس است. جمهوری اسلامی ایران متجاوز نیست، فرصت طلب نیست، دنبال توسعه طلبی نیست و روی آن اصولی که اعلام کرده در عمل پابرجاست. شاید برای دنیا رفتار صبورانه و دوستانه ایران نسبت به تحولات



کتابخانه فضیه قم

* موضعگیریهای دولت امریکا درباره ایران، بسیار کودکانه، نسنجیده و نپخته است و بیانگر آن است که سیاست خارجی امریکا قادر نیست مسائل جهانی را تجزیه و تحلیل کند.

* آنها که فکر می کنند مشکلات ما به خاطر عدم رابطه با امریکاست، ساده انگاری می کنند.

کردیم حدود یک میلیون و دویست یا سیصد هزار نفر جمعیت عراقی و دهها هزار نفر کویتی بود. در حالی که تمام مرزها بهم خورده بود و مرزی وجود نداشت و دست ما برای انجام هر کاری باز بود، به داخل عراق نرفتیم و کاری را صورت ندادیم. من فکر می کنم این حوادث و تحولاتی که اطراف ما اتفاق افتاد کاملاً برای آنهاست که دنیا هوشمند هستند و محاسبه می کنند - علی رغم آنکه در تبلیغات علیه ما حرف می زنند - حقیقت را می فهماند.

من فکر می کنم جمهوری اسلامی ایران خصوصاً در این سالهای اخیر آن چهره اسلامی و انسانی خودش را برای جهانیان کاملاً به اثبات رساند. من موقعیت جمهوری اسلامی ایران را در سطح جهان موقعیت بسیار خوبی می دانم. اصلاً این داد و فریادهایی که آمریکایی ها راه انداخته اند و نمی توانند دوستان خودشان را قانع بکنند که با ایران رابطه نداشته باشند و یا به ایران کمک نکنند، امری مهم است و مهمتر آنکه می بینیم در چنین شرایطی که آن همه سر و صدا علیه جمهوری اسلامی ایران هست، ملاحظه می کنیم که چه اروپا، چه ژاپن و چه دیگران با جمهوری اسلامی ایران روابط سالم سیاسی و سالم اقتصادی دارند. طبیعی است کشوری را که در این شرایط جهانی می خواهد مستقل زیست کند - آن هم در جهان سوم و در منطقه حساسی مثل این منطقه - آن را بی دردسر نمی گذارند. اما خوشبختانه ما در این چهارده، پانزده سال نشان دادیم که کاملاً مقاوم هستیم، کاملاً

را پذیرفتند و قبول کردند.

غرب فکر می‌کرد که ایرانیها امام خمینی را قبول کردند، اما ولایت فقیه را قبول نمی‌کنند که بعد مسأله برایشان تثبیت شد که ایرانیها، هم امام خمینی را پذیرفتند و هم ولایت فقیه را. بنابراین این ولایت برای همیشه است. امام خمینی (ره) در برهه‌ای از تاریخ درخشید و از نور وجودش استفاده کردیم و البته از نور معنوی آن رهبر فقید همیشه استفاده می‌کنیم، اما حضور ظاهری‌اش در کشور برای برهه‌ای از زمان بود؛ اما ولایت فقیه برای همیشه در کشور هست. پس مدیریت واحد در کشور اسلامی این جاذبه را برای جهان اسلام ایجاد کرده که مردم و حکومت کاملاً دوشادوش هم و در کنار هم قرار گرفتند. البته نمود اصلی‌اش را ما هم در دوران جنگ دیدیم و هم امروز در سفرهای مسئولین کشور به شهرهای مختلف می‌بینیم و دنیا نیز کاملاً این مسأله را احساس می‌کند که مردم با مسئولین کنار هم و در سنگری واحد هستند. در همین سفر اخیری که آقای هاشمی رفسنجانی به شمال کشور و مازندران رفتند، واقعاً استقبال و حضور مردم دیدنی بود و این نمی‌تواند برای جهانیان مخفی بماند. نمود دیگر چهره جدید ایران، قدرت این کشور برای مبارزه با استکبار است. در مجموع من فکر می‌کنم ایران بعد از انقلاب یک چهره کاملاً جدیدی دارد، هم از دیدگاههای اسلامی هم از دیدگاه

عادت کرده‌ایم که با توطئه چگونه مقابله کنیم و آن را درهم بشکنیم و بایستیم. دیگران هم به خوبی ما را شناختند. البته من فکر می‌کنم ایران، هیچگاه در طول تاریخ - خصوصاً در دهه‌های اخیر - چنین تصویری توأم با استقلال نداشته است. پیش از آن همواره ایران را به عنوان کشوری که در ظاهر استقلال داشته و در باطن تحت نفوذ دیگران بوده، می‌شناختند. حالا یا انگلیسی‌ها مسلط بودند یا روسها و اخیراً هم آمریکایی‌ها. اما چهره کاملاً مستقل جمهوری اسلامی ایران، چهره‌ای است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ارائه شد، و آن چهره وحدت مدیریت دینی و سیاسی در کشور بود. همیشه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ما این دو مدیریت روبروی هم بوده‌اند. مخصوصاً در دوران پهلوی. البته در دوران قاجار و صفویه، شکل کار فرق می‌کرد. یعنی شاید در بعضی از مقاطع تاریخی، نوعی نزدیکی بین این دو مدیریت بوده است. اما در دوران پهلوی مدیریت سیاسی کاملاً روبروی مدیریت دینی و مذهبی ایستاد و با آن مقابله کرد و جنگید. اما بعد از انقلاب، اولین بار بود که کشور، وحدت مدیریت را شاهد بود. و این بسیار مهم است که می‌بینیم همان کسی که رئیس سیاسی کشور است، رئیس مذهبی کشور هم هست. یعنی مسأله ولایت فقیه مسأله بسیار مهمی است که در کشور ما تثبیت شد و مردم ما با جان و دل این مسأله

صلح طلب است، کشوری که قصد اشغال کشور دیگری را ندارد، کشوری که واقعاً به شعارها و آرمانهایش وفادار است و کشوری که می‌شود روی قول و برنامه‌اش اعتماد و اطمینان کرد، شناخته شده است. امروز هیچ کشوری در دنیا و ایران نیز، هیچوقت در تاریخ گذشته‌اش این چهره، را نداشته است. دربارهٔ بخش دوم سؤالتان که چهرهٔ دنیا و نظم نوین را چگونه می‌بینیم و ارزیابی ما از آنها چیست، باید بگویم که ما باید شاهد تحولات بسیار زیادی در سالهای آینده باشیم. ممکن است اینطور به نظر بیاید که در دنیا اختلافات ناشی از وجود و تقابل دو قدرت بزرگ پایان یافته و دوران نظم نوین است و در این دوران دیگر باید خطر جنگ از بین برود و صلح و عدالت حاکم بشود، اما واقعیت اینطور نیست. یعنی اینکه ما، نه تنها تعداد جنگها و برخوردهای منطقه‌ای را کمتر ندیده‌ایم، بلکه یک کشور به وسیله یک کشور دیگر در دوران همین نظم نوین اشغال شد. یعنی در دوران نظم نوین بود که عراق حمله کرد و کشور دیگری را کاملاً قاپید و آن را ضمیمه خاک خود کرد. شاید اگر این نظم حاکم نبود، چنین چیزی هرگز اتفاق نمی‌افتاد. یا جنگهایی که امروز در اروپا جاری است و نمونه بارز و آشکارش در مسأله بوسنی و هرزگوین است و همچنین جنگهای قبیله‌ای و جنگهای نژادی هم در همین دوران روی داده است. این طور نیست که ما فکر کنیم آنچه که از دنیای امروز ترسیم می‌شود یک دنیای صلح، دنیای آرامش، و دنیای تک قطبی است. هیچیک از

مدیریت. هم از دیدگاه مردم که در کنار هم قرار گرفتند و هم از دیدگاه جاذبه‌ای که برای دنیا و جهانیان دارد. چه ما بخواهیم و چه نخواهیم جمهوری اسلامی ایران رهبری بسیاری از جوامع را بعهدہ دارد. دنیا بخواهد یا نخواهد، بهرحال جمهوری اسلامی ایران بر قلوب حکومت می‌کند. این مثل رهبری ادعائی آمریکا نیست که فقط خودش آن را قبول دارد! خود آمریکاییها ادعای رهبری می‌کنند، خودشان هم قبول دارند، اما کسی این رهبری را قبول ندارد! عملاً ثابت شده که آنها رهبر دنیا نیستند اما جمهوری اسلامی ایران بی‌تردید رهبر میلیونها قلب در سراسر دنیا است. ربطی هم به این ندارد که نزدیک ما باشند، یا مجله و روزنامه ببریم یا فردی از کشور ما برود داخل آن کشور یا خیر. نفوذ ما در دوردست‌ها بیشتر از همسایگانمان هست. نفوذی که در الجزایر داریم، بر قلوب مردم در مصر داریم، با اینکه با ما فاصله هم دارند یا حتی بر مسلمانانی که در نقاط دوردست خاور دور، آفریقا و قارهٔ آمریکا هستند، شاید بیشتر از نفوذی است که ما بر قلوب مسلمانهای همسایه‌مان داریم. بنابراین این نفوذ، معنوی و واقعی است. این بخش اول سؤال جنابعالی که ما جمهوری اسلامی ایران را چگونه باید در این مقطع تاریخی ببینیم و ترسیم بکنیم. من فکر می‌کنم ایران به عنوان یک قدرت به عنوان یک کشور مستقل به عنوان یک کشوری که دین و سیاستش، مردم و مسئولینش کاملاً با هم هماهنگ هستند. کشوری که قصد تجاوز ندارد، کشوری که

هم از تکنولوژی جدید نشأت بگیرد. مسأله تکنولوژی بسیار مهم است یعنی تحولات تکنولوژیک شاید کشوری را نسبت به قدرتهای جدید فعلی، آنچنان فائق کند که اصلاً اوضاع جهان دگرگون شود و اوضاع جهان حتی از لحاظ نظامی نیز با تحولات تکنولوژی عوض بشود. البته عوامل مهم دیگری نیز در دنیا وجود دارد. من فکر می‌کنم مهمترین عواملی که می‌تواند آینده جهان را شکل دهد، یکی اقتصاد به معنی عام آن است (که علم و تکنولوژی را هم دربر می‌گیرد) و دیگری فرهنگ است که ایدئولوژی و مذهب را نیز شامل می‌شود. سایر تحولات نظامی، سیاسی و اجتماعی همه فرع این دو تحولند.

در دنیای امروز هم تحولات تکنولوژیکی و علمی بسیار سریع و شگفت‌آور است و هم تحولات فرهنگی. همین مسأله احیای تفکر دینی و مذهبی در سراسر جهان مسأله بسیار مهمی شده است. پیش‌بینی دنیا این بود که در پایان این قرن چیزی به نام دین و مذهب، اصلاً وجود نخواهد داشت و امروز ما می‌بینیم که در پایان این قرن آنچنان تفکر مذهبی احیاء شده که حتی با آغاز قرن، قابل مقایسه نیست. قطعاً در قرن بعد شاهد گسترش بیشتر این تحولات خواهیم بود. من اساس و پایه تحولات آینده دنیا را اقتصادی و فرهنگی می‌دانم و امریکاییها در هیچیک از این دو بخش، حرف اول را نمی‌زنند! شاید

اینها تحقق پیدا نکرده و من بعید می‌دانم تحقق پیدا بکند.

حوادث شوروی به غربی‌ها نشان داد که ما نمی‌توانیم نسبت به آینده شوروی یک قضاوت دقیق و صریحی داشته باشیم. در همین انتخابات اخیر این کشور می‌بینیم آنها که شعارهای بسیار تند و ملی‌گرایانه در شوروی سر می‌دهند و به غرور ملی مردم توجه می‌کنند، رأی بسیار بالایی می‌آورند. با اینکه شعارهایشان، شعارهای خطرناکی است، اما اکثریت مردم به آنها رأی می‌دهند. این حادثه انتخابات شوروی حادثه ساده‌ای نیست. حادثه‌ای است که شاید غربیها را هم کاملاً تکان داده و حواسشان را جمع کرده که نمی‌توانند تا این حد مطمئن باشند که ماجرای یک ابرقدرتی شوروی سابق، برای همیشه تمام شده است.

من فکر می‌کنم قطبهای جدیدی در دنیا در حال شکل گرفتن است. آنطور که فکر می‌شد که در دنیای جدید تنها یک قطب واحد داریم و در این قطب واحد، امریکاییها قادرند به عنوان رهبر جهان، هر کاری را انجام بدهند، اینطور نیست. من فکر می‌کنم دنیا در سالهای آینده مخصوصاً اوایل قرن جدیدی که جنابعالی اشاره کردید، شاهد تحولات بسیار سریع و مهمی خواهد بود. اما اینکه عوامل این تحول چه خواهد بود، تکنولوژی، بی‌تردید یکی از مهمترین آنها خواهد بود. البته به اقتصاد هم می‌توانیم اشاره کنیم، ولی شاید تحولات اقتصادی

* روسیه، فرانسه و چین از نظر نظامی روبروی امریکا ایستاده‌اند، ژاپن و آلمان از نظر اقتصادی و ما نیز به عنوان ابرقدرت فرهنگی در برابر امریکا موضع گرفته‌ایم.

* اساس و پایه تحولات دنیا، اقتصاد و فرهنگ است که آمریکاییها در هیچیک از این دو بخش، حرف اول را نمی‌زنند.

* اسلام در آینده به عنوان یک قدرت بسیار مهم و عظیم فرهنگی در جهان مطرح خواهد بود.

* باید در حفظ انرژی ارزشمند نفت، هوشیار باشیم. مرکز پژوهشها باید در زمینه چگونگی مصرف و صرفه‌جویی انرژی در کشور مطالعه کند.

درمورد ژاپن، آلمان و امثال اینها بتوانیم بگوییم که در آینده نقش اول را در بخش اقتصادی داشته باشند، اما در بخش دوم، فکر می‌کنم اسلام به عنوان یک قدرت بسیار مهم و عظیم فرهنگی مطرح خواهد بود. چراکه اکنون شاهد طلوع آن هستیم و اشعه‌های این آفتاب، بی‌تردید در سالهای آینده و آغاز قرن جدید کاملاً گسترده می‌شود و حرارت و گرمای جدیدی را در سایه این تحولات فرهنگی شاهد خواهیم بود.

□ مجلس و پژوهش: اشاره

جنابعالی به تحولات تکنولوژیکی و اقتصادی، این بحث را تداعی می‌کند که انرژی از یک دهه گذشته، نقش تدریجاً محکمتری در تحولات ژئوپولیتیکی بازی می‌کند. تلقی جنابعالی از این عامل چیست و تداوم آن راتاکی پیش‌بینی می‌کنید؟

آقای روحانی: انرژی نقش بسیار مهمی خواهد داشت. البته - دوران خاصی - بعد از سال ۱۹۷۳ در دنیا شروع شد و آن مسأله کار بر روی انرژیهای جایگزین بود. در این زمینه‌ها زیاد کار شد و اکنون ۲۰ سال می‌گذرد و در این مدت با این تکنولوژی پیشرفته‌ای که بشر در اختیار دارد می‌بایست شاهد تحولات بسیار سریع و عمیقی می‌بودیم، درحالی که اینچنین نیست. علاوه بر آن، نفت اکنون به عنوان ماده‌ای که منشأ تحولات بسیار وسیعی در بخشهای مختلف است مطرح می‌باشد. اکنون حتی می‌بینیم که هواپیماهایی که با «کامپوزیت‌ها» ساخته می‌شود به مراتب از هواپیمایی که از

دیدگاه

کشورهایی باشند که بتوانند نفت و علاوه بر آن گاز صادرکنند. بزرگترین منابع گاز هم در مجموع در این منطقه وجود دارد، شاید دلیل حضور روزافزون قدرتهای خارجی و سلاحهای آنها در این منطقه به خاطر همین مسأله انرژی باشد. ما باید در حفظ این انرژی ارزشمند هوشیار باشیم. باید برنامه ریزی کنیم، خود مجلس و دولت، و نگذاریم این سرمایه اصلی تلف بشود. باید برنامه ریزی درستی برای داخل کشور داشته باشیم. خود مرکز پژوهشها باید در این زمینه و اینکه چگونه در مصرف انرژی صرفه جویی کنیم، کار کند. از لحاظ جهانی هم مسأله انرژی و مخصوصاً مسأله نفت بی تردید تا سالیان دراز اهمیت خودش را از دست نخواهد داد.

□ مجلس و پژوهش: تأکيدات مقام معظم رهبری در رابطه با آمریکا مؤید آن است که نظام قویاً رابطه سیاسی با آمریکا را نفی می کند. جنابعالی از دیدگاه آرمانی، منطق سیاسی و عقلی چه توجیهاتی برای این مشی ارائه می نمایند؟

آقای دکتر روحانی: مسأله آمریکا هم به دلیل ریشه های تاریخی، اعتقادی و مذهبی آن، برای کشور ما اهمیت خاص و ویژه ای دارد. اولاً ما اگر به تاریخ گذشته مان مراجعه کنیم می بینیم که انقلاب اسلامی اساساً از همان آغاز، همزمان با مبارزه با استکبار داخلی، مبارزه با استعمار خارجی و

فولادهای ویژه ساخته می شود قوی تر و محکم تر است. بنابراین در آینده صنعت و اقتصاد، نفت جایگاه ویژه خود را حفظ خواهد کرد. من فکر می کنم وضعی که غرب و آمریکا در رأس آن امروز برای نفت به وجود آورده نه تنها خیانت به کشورهای صادرکننده نفت بلکه خیانت به کل بشریت است. یعنی ما ارزشمندترین ماده دنیا که محدود هم هست را داریم با قیمت ارزان عرضه می کنیم، می سوزانیم، آتش می زنیم و از بین می بریم و این خیانت به آینده بشریت است. در رأس این خیانت هم آمریکاییها و دیگر قدرتهای بزرگ غربی هستند و باید پاسخگوی تاریخ آینده باشند. به دلیل اهمیت انرژی یا در واقع طلای سیاه است که ایران و اساساً خلیج فارس نقش ویژه خود را پیدا می کنند و باز به خاطر همین نقش است که شاید در قرن آینده بسیاری از این کشورهایی که اکنون صادرکننده نفت هستند، نه تنها دیگر صادرکننده نباشند حتی واردکننده خواهند بود.

شاید در دهه های آینده دیگر چیزی به نام نفت دریای شمال وجود نداشته باشد. البته بعضی نظرات پایان آن را خیلی سریعتر و زودتر پیش بینی کرده اند. شاید در سالهای اولیه قرن آینده به جایی برسیم که منطقه خلیج فارس تنها صادرکننده نفت جهان باشد و عملاً عربستان سعودی به عنوان ابر نفت دنیا و بعد از آن کشورهای دیگری نظیر ایران و عراق و کویت و امثالهم تنها

تسخیر لانه جاسوسی و افشاء آن اسناد و مدارک کاملاً برای دنیا آشکار شد که آمریکاییها از روز اول برای شکست انقلاب و سرنگونی نظام مبارزه می‌کردند. اکنون نیز هرجا توطئه‌ای علیه ایران، علیه نظام جمهوری اسلامی، علیه انقلاب، علیه نهضت اسلامی در دنیا حتی در الجزایر، مصر و یا هر جایی که نهضت اسلامی آغاز می‌شود می‌بینیم که آمریکاییها برای سرکوب آن، حضور و نقش اصلی را دارند. پس مسأله دشمنی مردم با آمریکا، هم تاریخی است، هم انقلابی و آرمانی و دینی. آمریکاییها همواره با اساس تفکر اسلام و جنبش اسلامی مخالف بودند و امروز هم همه جا مخالف هستند و با آن مبارزه می‌کنند. امام (ره) نیز این شعار محوری مبارزه با آمریکا را به خوبی تبیین کردند. البته درست است که ما رابطه سیاسی با آمریکا را قطع نکردیم و این آمریکاییها بودند که با ما قطع رابطه کردند. اما امام فرمودند چقدر خوب شد، این رابطه را ما می‌خواستیم چه بکنیم. یعنی ضمن اینکه در این تهاجم، آمریکاییها آغازگر بودند اما هم امام از آن استقبال کردند و هم مردم. در طول این مدت هم آمریکاییها دشمنی‌شان را حتی برای یک روز هم تقلیل ندادند، اموال ما را که در اختیار آنها بود بلوکه کردند در حالی که اصلاً بدهیهای معوقه ما در برابر آن پول، رقمی نیست. بنابراین آمریکاییها با انحاء مختلف و در همه جا با ما آشکارا دشمنی کردند، وقتی دشمنی اینگونه با ما وارد جنگ شده است، چه دلیلی دارد که ما در این فضا مسأله رابطه با آمریکا

مشخصاً آمریکا را نیز شروع کرد. یعنی مسأله کاپیتولاسیون که به سال ۱۳۴۳ برمی‌گردد، یا حتی قبل از آن در سال ۱۳۴۱ و لوایح شش‌گانه. اگر سرآغاز انقلاب را اواخر ۴۱ بگیریم می‌بینیم در اواسط سال ۴۳، دقیقاً ما با مسأله مبارزه با آمریکا به عنوان اصلی‌ترین مسأله مبارزه مواجه می‌شویم. دستگیری و تبعید حضرت امام (ره) در سال ۱۳۴۳ نیز به خاطر مسأله مصونیت مستشاران نظامی آمریکا در ایران بود. پس می‌بینیم که مسأله مبارزه با آمریکا از همان سالهای اولیه این نهضت به عنوان شعار محوری و اصلی مطرح بوده است. از طرف دیگر، آمریکاییها نیز برای سرکوب انقلاب، نقش اصلی را داشتند. می‌بینیم که ژنرال هایزر امریکایی در اوج انقلاب شخصاً به ایران سفر می‌کند تا بلکه انقلاب را سرکوب و نابود کند. البته همه این مسأله را می‌دانستیم و الان نیز برای ما روشنتر شده است که همه برنامه‌هایی که شاه داشت مخصوصاً در مبارزه با انقلاب و اسلام، از طرف آمریکاییها طراحی و دیکته می‌شد.

حضرت امام (ره) در سخنرانی معروف خود در مدرسه فیضیه که آغاز نهضت سال ۴۲ بود و حادثه ۱۵ خرداد به دنبال آن اتفاق افتاد، خطاب به شاه گفتند که «هرچه آمریکاییها به تو می‌گویند یا دیکته می‌کنند تو اجرا نکن، لااقل فکر کن بین چه چیزی به تو دیکته می‌کنند!» پس می‌بینیم که این نهضت از آغاز در کار مبارزه با آمریکا بوده است. بعد از پیروزی انقلاب هم بلافاصله توطئه‌های سفارت آمریکا آغاز شد و بعد از

را مطرح بکنیم؟ اساساً طرح این مسأله در این مقطع تاریخی صحیح نیست.

من فکر می‌کنم بیانات مقام معظم رهبری در سیزده آبان امسال کاملاً مستوفی بود. ایشان همه دلایل و منطق این حرف را به خوبی بیان کردند. همیشه دلایلی برای اینکه چرا ما با آمریکا رابطه برقرار نمی‌کنیم گفته می‌شد، اما تبیین و استدلال این مسأله لازم بود. کارهای ما باید بر مبنای منافع ملی و اسلامی مان باشد. نزدیک شدن به آمریکا و یا رابطه با آن چه نفعی برای ما دارد؟ اگر کسی فکر کند که مشکلات ما به خاطر عدم رابطه با آمریکا است و چنانچه رابطه برقرار کنیم، مشکلاتمان حل می‌شود، بسیار ساده‌نگری است. بی‌تردید در رابطه با آمریکا ضررهای قابل توجهی شامل حال ما می‌شود و حتی یکی از منافع هم که گفته می‌شود این کار برای ما دارد، قابل اثبات نیست، مخصوصاً با سیاست خارجی اخیر آمریکا در دوره کلینتون. اصولاً سیاست خارجی آمریکا بسیار مریض است. خود وزیر خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا به خاطر اشتباهات بسیار فاحش و کارهای بسیار کودکانه‌شان متزلزلند. آمریکاییها کارهای خنده‌دار و بچه‌گانه می‌کنند و می‌گویند همان رفتاری که با عراقیها داشته‌ایم از این پس می‌خواهیم با ایرانیها داشته باشیم و همانطور که بر عراق فشار می‌آوریم ایران را نیز تحت فشار قرار خواهیم داد! اصلاً طرح این شعار، خیلی

کودکانه و نسنجیده و نپخته است و نشان می‌دهد اساساً سیاست خارجی آمریکا مریض است و قادر نیست مسائل جهانی را تجزیه و تحلیل کند. بنابراین در شرایطی که آمریکا با ما دشمن است و دشمنی‌اش را هم مخفی نمی‌کند و مردم ما هم از آمریکا همواره ضربه و خشونت دیده‌اند نزدیکی با آن قطعاً به ضرر ماست. رفتار سبعانه آمریکاییها با یکی دو نفر از درجه‌داران نیروی دریایی ما روی کشتی «ایران اجر» و سقوط هواپیمای ایرباس، انهدام سکوی سلمان، ماجرای طبس و... همه حکایت از رفتار خشن و بی‌رحمانه آمریکاییها دارد. برای ما دشمنی آمریکاییها از ماجرای طبس تا ماجرای سقوط هواپیما و اقدامات امروزشان در صحنه‌های مختلف آشکار بود. من فکر می‌کنم آمریکا دشمن بی‌رحم و غیرمنطقی است که نزدیکی با او قطعاً به ضرر ما خواهد بود. علاوه بر اینکه اساساً تعیین سیاستهای اصلی و اصولی کشور و نظام، به عهده مقام معظم رهبری است، ایشان این نکته را به صراحت اعلام و تبیین کردند که ما هیچ نفعی در رابطه با آمریکا نداریم و این رابطه برای ما مضر است.

این نکته را هم اضافه کنم که بعضی‌ها فکر می‌کنند تمام دنیا با آمریکا دوست هستند و فقط یک کشور در دنیا پیدا شده به نام جمهوری اسلامی ایران که با آمریکا دشمن است، یا آمریکا معشوق همگان است و تنها جمهوری اسلامی ایران است

شورای عالی امنیت ملی از نوسانات پردامنه، فاصله زیادی گرفته است. لطفاً بفرمائید روند تکوین و قوام این شورا چگونه بوده و این شورا تاکنون چه نقشی در روند تحولات ایفا نموده و چه دستاوردهایی داشته است؟

آقای روحانی: به نظر من نهادی به نام شورای عالی امنیت ملی جزء برکات و ثمرات آخرین فرمانهای حضرت امام (ره) بود که از بازنگری قانون اساسی به وجود آمد. در واقع خیلی از کشورها بعد از جنگ یا پشت سرگذشتن یک برخورد نظامی، به وجود شورای امنیت ملی در نظام خود احساس نیاز می‌کنند. در زمان جنگ، ما شورای عالی دفاع داشتیم اما در عین حال ناچار شدیم به سرعت شورای دیگری به نام شورای عالی پشتیبانی جنگ درست کنیم تا بتوانیم کمبود آن خلاء شورای امنیت ملی را پر کنیم. بعد از جنگ کاملاً ملموس بود که ما یک مرکزیتی می‌خواهیم که در آن از یک طرف «لشگریها» و «کشوریها» کنار هم بگیرند، «نظامیها» و «سیاسیها» کنار هم بنشینند و تصمیمات نظامی و سیاسی در کنار هم و هماهنگ اتخاذ شود. از سوی دیگر لازم بود که روسای سه قوه در کنار هم قرار گرفته و تصمیماتشان هماهنگ شود.

رئیس جمهوری در قانون اساسی قبل از اصلاح، هماهنگ کننده سه قوه بود، منتها مکانیزمی برای این هماهنگی پیش‌بینی نشده بود. اما در قانون اساسی فعلی عملاً این هماهنگی با حضور یک نهاد مقدس و جدید به نام «شورای عالی امنیت ملی»

که از او نفرت دارد و با این تحلیل می‌گویند اینکه آمریکا معشوق همه است چطور منفور شماست؟ من فکر می‌کنم اصلاً اینطور نیست. آمریکا دشمنان بسیار قوی از لحاظ نظامی و اقتصادی و ایدئولوژیک و فرهنگی در دنیا دارد که البته در رأس دشمنان نظامی آمریکا علی‌رغم حرفهایی که زده می‌شود و علی‌رغم دوستیهایی که اعلام می‌شود، همچنان روسیه است. چین و فرانسه هم هستند. از لحاظ اقتصادی نیز بی‌تردید ژاپن و آلمان در برابر آمریکا قرار دارند و در سالهای آینده حتی چینی‌ها نیز یک غول اقتصادی در برابر آمریکا خواهند بود. اما از لحاظ ایدئولوژیکی و فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران و اسلام انقلابی در رأس است. بنابراین ما می‌توانیم بگوئیم آمریکاییها دشمنان فراوانی دارند. ملتها، همه دشمن آمریکا هستند، جهان سوم دشمن آمریکاست. در واقع چند ابرقدرت در برابر آمریکا ایستاده‌اند. ابرقدرت نظامی: روس، چین و فرانسه هستند، ابرقدرت اقتصادی: ژاپن و آلمان و امثال آنها هستند. ابرقدرت فرهنگی هم ما هستیم که روبروی آنها ایستاده‌ایم. بنابراین، این طور نیست که دیگران دوست آمریکا باشند منتها ممکن است، لحن آنها بالحن مافرق کند. آنها ممکن است با لحن دیپلماتیک سخن بگویند یا اینکه بعضی از نیت‌های خود را مخفی کنند اما مواضع ما روشن و آشکار است.

□ مجلس و پژوهش: واقعیت این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی به دنبال تشکیل

شورای عالی امنیت ملی، در قبال فروپاشی شوروی سابق اتخاذ کرد. لازم است این نکته را بگویم که شورای عالی امنیت ملی، فروپاشی شوروی را حداقل دو سال قبل از وقوع، به خوبی پیش‌بینی کرد و حتی به این نتیجه رسید که به چه تعداد کشور تقسیم می‌شود و ما در برابر آن باید چه موضعی اتخاذ کنیم. حتی توطئه‌ای که غریبه‌ها به ویژه آمریکایی‌ها در این منطقه به وجود آورده و می‌خواهند به آن دامن بزنند. اما شورای عالی امنیت ملی سه سال قبل از اینکه این مسأله مطرح شود پیش‌بینی کرده بود که ممکن است استکبار جهانی یک روزی، بعضی‌ها را در منطقه تحریک کند تا نسبت به تمامیت ارضی ایران موضع‌گیری کنند. البته لازم است توضیح دهم که مباحث شورای عالی امنیت ملی وقتی ارزش پیدا می‌کند که از تأیید مقام معظم رهبری نیز بگذرد که در آن صورت به منزله یک مصوبه لازم‌الاجرا درآمده و ابلاغ و اجرایی شود. من فکرمی‌کنم این نهاد، برای جمهوری اسلامی ایران بسیار پر خیر و برکت بوده است.

□ مجلس و پژوهش: فرصت به پایان آمد، اما گفتنی بسیار مانده است. با سپاس مجدد، با آرزوی توفیق روزافزون برای جناب‌عالی، امیدواریم در فرصتهای دیگری که در اختیارمان می‌گذارید، باز هم از محضرتان بهره بگیریم. انشاءالله.

ایجاد شد. به طور خلاصه می‌توانم بگویم که در شورای عالی امنیت ملی تصمیمات دفاعی، سیاسی یا به عبارت دیگر لشگری و کشوری از یکسو و تصمیمات سه قوه از سوی دیگر هماهنگ می‌شود و مسائل مهمی که به امنیت ملی ما ارتباط پیدا می‌کند اعم از سیاسی، نظامی، انتظامی، اطلاعاتی، اقتصادی، فرهنگی و... در آنجا بحث و تصمیم‌گیری می‌شود. در شورای عالی امنیت ملی رؤسای سه قوه، دو نماینده از طرف مقام معظم رهبری، سه وزیر سیاسی - امنیتی مثل وزیر کشور، وزیر خارجه و وزیر اطلاعات حضور دارند. همچنین رئیس ستاد فرماندهی کل قوا که بالاترین مقام نظامی است و رئیس سازمان برنامه و بودجه که در واقع هماهنگ‌کننده اقتصاد کشور است نیز در آن حضور دارند و به مناسبت موضوع از وزرای مربوطه هم دعوت می‌شود.

وجود این شورا در پایان دادن به اختلافات بین ایران و عراق در آن برهه زمان و آزادی اسراء و پایان یافتن آن و بخشی از نوار مرزی ما که هنوز در اشغال عراق بود بسیار موثر بود. آن نامه‌های معروفی که بین رئیس جمهور ایران و صدام مبادله شد، نامه‌هایی بود که در شورای عالی امنیت ملی مورد شور و مشورت قرار می‌گرفت که نامه‌های بسیار کارساز و مهمی بود. تصمیمی که شورای عالی امنیت ملی در جنگ عراق علیه کویت اتخاذ کرد بسیار اهمیت داشت و همچنین تصمیماتی که